

امام خمینی(ره)؛ انقلاب اسلامی و نوآوری

مرتضی تهامی*

چکیده

امام خمینی(ره) در روند انقلاب اسلامی با ایمان قوی و اتکال به خداوند از هیچ مشکلی نهراسید و انقلاب اسلامی را در تحقق اهداف آن رهبری کرد و به ثمر رساند. در بررسی اندیشه امام(ره) در مورد نوآوری و خلاقیت می توان دو مقوله را تبیین کرد: الف) نوآوری های امام خمینی(ره) در جریان انقلاب اسلامی؛ ب) اندیشه و مبادی نوآوری در کلام امام خمینی(ره). در مقوله اول: ۱. رهبری انقلاب اسلامی و به ثمر رساندن آن از توانایی ها و نوآوری های منحصر به فرد امام است. ۲. اندیشه ولایت فقیه و ایجاد حکومت اسلامی از بنیادهای گرانسنگ اعتقادات اسلامی است که توسط امام(ره) مطرح و عملی شد. ۳. طرح وحدت حوزه و دانشگاه که دو رکن رکن انقلاب اسلامی هستند. ۴. توجه امام(ره) به مسائل روز و تغییر و تحولات جامعه و اجتهاد مطابق با این تحولات. ۵. ایجاد نهادها و سازمانهای متناسب با نیاز انقلاب اسلامی. در مقوله دوم: به بحث نوآوری و خلاقیت در اندیشه حضرت امام(ره) به طور مستقیم پرداخته نشده است، ولی با بررسی کلام امام(ره) می توان دیدگاه ایشان را در موضوع نوآوری به دست آورد. توضیح اینکه، خویشن شناسی و باور انسان به عظمت و شگفتی استعداد خود، پایه اساسی خلاقیت و نوآوری است. بر این مبنا می توان مبنای اندیشه امام(ره) را در نوآوری و خلاقیت بدین شرح بیان کرد: ۱. خودباوری و اتکال به نفس؛ ۲. پایداری و استقامت؛ ۳. تربیت اسلامی و انسانی؛ ۴. اعتماد به خدا و اتکال به نفس.

واژگان کلیدی: جایگاه انسان در قرآن، خلاقیت، نوآوری های امام، مبنای نوآوری در کلام امام.

* تاریخ دریافت: ۸۷/۰۵/۲۸ تاریخ پذیرش نهایی: ۸۷/۰۷/۰۸

* دکترای فرهنگ و زبان های ایران باستان، استادیار دانشگاه تربیت معلم، آدرس: تهران- خیابان شهید مفتاح-

دانشگاه تربیت معلم، نمابر: ۰۲۱۸۸۳۲۳۳۱۶، Email: motahami@yahoo.com

مقدمه

در میان مخلوقات خداوند انسان اشرف موجودات است و آن اندازه عظمت دارد که مقام خلیفه‌اللهی را داراست. انسان نسخه و آیینۀ تمام‌نمای اسمای خداوندی است که به او امانت داده شده است. انسان به لحاظ داشتن این استعدادها بالقوه خدادادی، می‌تواند مراتب کمال را بیاماید و به جایی برسد که حتی فرشتگان او را سجده کنند و از این نیز بالاتر رود.

| | |
|---------------------------|-------------------------------|
| از جمادی مُردم و نامی شدم | و ز نما مُردم به حیوان سر زدم |
| مُردم از حیوانی و آدم شدم | پس چه ترسم کی ز مردن کم شدم؟ |
| جمله دیگر بمیرم از بشر | تا بر آرم از ملایک بال و پر |
| وز ملک هم بایدم جستن ز جو | کل شیء هالک الا وجهه |

(مولوی)

انسان با توانایی‌های خود می‌تواند در دو مسیر حرکت کند و استعدادهای خود را به منصهٔ ظهور برساند:

۱. سیر طولی، در جهت کسب کمالات و معرفت الهی و نزدیک شدن به ذات اقدس الهی؛
۲. سیر افقی، در جهت اجتماعی، بروز استعداد و توانایی‌های خود در جهت ابداع و ایجاد چیزهای نو به منظور تسلط بیشتر بر طبیعت و بهره‌برداری مطلوب از آن با هدف تنعم بهتر از نعم الهی و عبادت و بندگی.

با تحقق این دو مسیر و تداوم آن، زندگی انسان مدام در حال کمال و تغییر خواهد بود و شامل این حدیث امام علی(ع) نخواهد شد که می‌فرماید: «هر که دو روزش مثل هم باشد از ما نیست». پس سیر الی‌الله و طی مراحل کمال، بروز استعداد درونی و خلاقیتی است که بشر در سلوک الهی انجام می‌دهد. انسان موفق در سلوک الی‌الله یا به تعبیری؛ انسان مؤمن، وقتی به مسائل اجتماعی و نحوهٔ تعامل با طبیعت پیرامون می‌پردازد، چون به مؤثر بودن خود در نظام هستی باور دارد، هیچ مانعی نمی‌تواند در راه او خلل ایجاد کند. لذا ابتکارها و خلاقیت خود را به نحو احسن بروز می‌دهد.

جایگاه انسان در قرآن

انسان موجودی قابل تغییر و از توان تحوّل بالایی برخوردار است. او می‌تواند منازلی را در سیر کمال خود طی کند که در آیات ذیل آمده است:

«چگونه خدا را منکرید، با آنکه مردگانی بودید و شما را زنده کرد، باز شما را می‌میراند [و] باز زنده می‌کند [و] آن گاه به سوی او بازگردانده می‌شوید. اوست آن کسی که آنچه در زمین است، همه را برای شما آفرید، سپس به [آفرینش] آسمان پرداخت و هفت آسمان را استوار کرد؛ و او به هر چیزی داناست». (بقره، آیات ۲۹-۲۸)

در این آیات، انسان مراحل مرگ، حیات، سپس مرگ و آن گاه حیات و در نهایت بازگشت به سوی خدا را طی می‌کند. انسان آن اندازه اهمیت دارد که خداوند می‌فرماید: آنچه در زمین است همه را برای شما [انسان] آفریده است.

انسان، واجد حقیقتی است که برای رسیدن به آن آفریده شده و به سبب آن، شایسته مقام خلیفه‌اللهی گردیده است. (دلشاد تهرانی، ۱۳۷۶، ص ۶۹)

شأن و مقام انسان در آیات ذیل بیان شده است:

«و [خداوند] نام همگان را به آدم آموخت، سپس آنان را بر فرشتگان عرضه کرد و گفت: اگر راست می‌گویید که شما شایسته مقام خلافتید، مرا از نام آنان با خبر کنید. فرشتگان گفتند: پروردگارا، تو از هر عیب و کاستی پیراسته‌ای، ما را دانشی جز آنچه تو به ما آموخته‌ای نیست. بی‌تردید تویی دانا و حکیم. خدا گفت: ای آدم! از نام آنان به فرشتگان خبر ده. هنگامی که آدم اسمی آنها را به فرشتگان خبر داد، خدا به فرشتگان گفت: آیا به شما نگفتم که من نهان آسمانها و زمین را می‌دانم و آنچه را آشکار می‌کنید و آنچه را کتمان کرده‌اید می‌دانم». (بقره، آیات ۳۳-۳۱)

انسان شرایط علم به اسمای الهی را داراست و به همین جهت، خلیفه و جانشین خداوند در زمین است: «انی جاعل فی الارض خلیفه» (بقره، آیه ۳۰). با توجه به این اوصاف، وجود انسان به گونه‌ای است که می‌تواند مظهر اسما و صفات الهی باشد و از این رو، اشرف مخلوقات است.

سید حیدر آملی می‌نویسد: «شرافت انسان بر سایر موجودات به نظر اهل تحقیق، تنها به این سبب است که او مظهر ذات مقدس الهی است که جامع تمام کمالات بالذات است». (به نقل از: دلشاد تهرانی، ۱۳۷۶، ص ۷۲)

بر اساس آیات قرآن کریم، توانایی‌های ذاتی و استعدادهایی که خداوند به انسان داده است،

عبارتند از:

امام خمینی(ره): انقلاب اسلامی و نوآوری

۱. دارا بودن فطرتی خدا آشنا: «فطرت الله التي فطر الناس عليها». (روم، آیه ۳۰)
۲. آفریده شدن در بهترین شکل و مقام: «لقد خلقنا الانسان في احسن تقويم». (تین، آیه ۴)
۳. دارای کرامت (موهبت عقل) و عظمت: «لقد كرّمنا بني آدم». (اسری، آیه ۷۰)
۴. خلیفه خدا در روی زمین: «انی جاعل فی الارض خلیفه». (بقره، آیه ۳۰)
۵. دمیده شدن روح خدا در انسان: «و نفخت فیہ من روحی». (حجر، آیه ۲۹)
۶. آموختن همه [معانی] نامها از خداوند: «و علم آدم الاسماء کلها». (بقره، آیه ۳۱)
۷. برتری آشکار بر بسیاری از مخلوقات خداوند: «و فضلناهم علی کثیر ممن خلقنا تفضیلا». (اسری، آیه ۷۰)

۸. امانت دار خداوند بودن: «انا عرضنا الامانه علی السماوات و الارض...». (احزاب، آیه ۷۲)
۹. آنچه در آسمانها و زمین است مسخر انسان است: «و سخر لكم ما فی السماوات و ما فی الارض جمیعا». (جاثیه، آیه ۱۳؛ بقره، آیه ۲۹)

بنا بر آنچه گفته شد، «انسان موجودی است برگزیده از طرف خداوند، خلیفه و جانشین او در زمین، نیمه ملکوتی و نیمه مادی، دارای فطرتی خدا آشنا، آزاد و مستقل، امانتدار خدا و مسئول خویشتن و جهان، مسلط بر طبیعت و زمین و آسمان، ملهم بر خیر و شر، وجودش از ضعف و ناتوانی آغاز می شود و به سوی قدرت و کمال سیر می کند و بالا می رود، اما جز در بارگاه الهی و با یاد او آرام نمی گیرد، ظرفیت علمی و عملی اش نامحدود است و از شرافت و کرامتی ذاتی برخوردار است». (مطهری، ۱۳۷۴، ج ۳، ص ۲۷۲)

خلاقیت و نوآوری (Creativity and Innovation)

انسان موجودی است صاحب فکر و اندیشه که به مدد فکر خود می تواند بر جهان پیرامون غلبه و آن را تسخیر کند و در اختیار بگیرد. هر چه قدرت تفکر و نوآوری او بیشتر باشد، نفوذ و تسلط او بر جهان بیشتر می شود. اندیشه انسان است که شخصیت او را رقم می زند:

ای برادر تو همه اندیشه‌ای مابقی تو استخوان ریشه‌ای

(مولوی)

به تعبیری؛ آدمی همان چیزی خواهد شد که می اندیشد و حیات اطراف خود را بر اساس همان اندیشه و روح درونی خود ترسیم می کند. ویلیام جمیز می گوید: «از بین تمام موجودات زمین، فقط

انسان می تواند الگوهایش را تغییر دهد، تنها انسان معمار سرنوشت خویش است. انسانها با تغییر طرز فکر درونی ذهنشان می توانند جنبه های برونی زندگی شان را تغییر دهند». (به نقل از: سلمانی، ۱۳۸۳، ص ۲۴)

انسان با فکر و اندیشه خود می تواند قالبها و صورتبندی های قدیمی را بشکند و باورهای جدید، بر پایه آگاهی و دانش خلق کند. او با درک خلاق خود می تواند فرایند تحولات پیش رو را به فرصتها و موقعیتهای مفید تبدیل سازد. در جریان امور تغییر ایجاد کند و به سمت و سوی ارزشها، باورها و آینده بهتر برای خود و جامعه حرکت نماید.

انسان با نیروی تفکر به خلاقیت و نوآوری دست می زند. گیلفورد، خلاقیت را مجموعه ای از توانایی ها و خصیصه هایی می داند که موجب تفکر خلاق می شود. (ر.ک. به: بونو، ۱۳۸۳، ص ۳)

خلاقیت در ساده ترین شکل خود، به معنی به وجود آوردن چیزی است که قبلاً وجود نداشته است. (همان، ص ۳)

خلاقیت توانایی ذهنی است که با نیروی آن انسان بتواند فکر یا مفهوم جدیدی را ایجاد یا ایده های مختلف را ترکیب و بین آنها پیوستگی ایجاد کند. استونرو فریمن می نویسد: «خلاقیت؛ یعنی ارائه یک نظریه جدید و نوآوری؛ یعنی جامعه عمل پوشانیدن به یک نظر جدید». (خرما بر نخیل، ۱۳۸۶، ص ۴۱۰)

نوآوری نتیجه خلاقیت است. اندیشه خلاق وقتی به ثمر رسیده؛ یعنی وقتی یک شیء یا فکر جدید ایجاد شد، آن نتیجه نوآوری است. خلاقیت و نوآوری به خودی خود رخ نمی دهد و مستلزم مهارتهایی است که به کمک آنها بتوان خلاقیت ایجاد کرد. این مهارتها عبارتند از: «جسارت در تفکر نو، قانع نشدن به راه حل های موجود، قدرت تغییر پیش فرضهای مسئله، جامع نگری به موضوع، قابلیت ایده پروری، واهمه نداشتن از شکست، خطرپذیری، حل مسائل ذهنی و قدرت تخیل». (سام خانیان، ۱۳۸۱، ص ۱۰۳)

از نظر شخصیتی، فرد خلاق باید این خصوصیات را دارا باشد: «اعتماد به نفس، اراده مستقل، شجاعت در ابراز عقیده، ثبات عاطفی، فداکاری، احساس مسئولیت به خود و دیگران، علاقه به پرسش، اندیشه عمیق، کنترل نفس، پشتکار، انگیزش، بصیرت، ...». (شل کراس، ۱۳۷۲، ص ۱۹)

عواملی مانند عدم اعتماد به نفس، باور نداشتن خود، منفی نگری، ترس از انتقاد و شکست پذیری، از موانع خلاقیت به شمار می روند.

در خلاقیت، علاقه و انگیزه های درونی مبنای اصلی کار است؛ یعنی اینکه: «افراد خلاق بیشتر به وسیله علایق درونی خود نسبت به کارهای خلاق بر انگیزخته می شوند تا عوامل بیرونی نظیر پول، تأیید دیگران ...». (سام خانیان، ۱۳۸۱، ص ۵۴)

امام خمینی(ره)؛ انقلاب اسلامی و نوآوری

انسان در جریان زندگی با موانع و مشکلات و ابهاماتی رو به رو می‌شود و اگر مقهور موانع شود، نمی‌تواند از استعدادهای شگرف خود بهره‌بردارد. در این راستا اگر انسان به اندازه‌ی وسع و توان خود فعالیت کند، می‌تواند مشکلات را حل کند و راه تعالی را بییابد. چنان که در قرآن می‌فرماید: «لا یكلف الله نفس الا وسعها» (بقره، آیه ۲۸۶). در این زمینه مولوی می‌گوید:

گر بریزی بحر را در کوزه‌ای چند گنجد قسمت یک روزه‌ای
آب دریا را اگر نتوان کشید هم به قدر تشنگی باید چشید

امام خمینی(ره) و نوآوری

با توجه به دو بحثی که گذشت، انسانی که بتواند سیر کمال الی‌الله را بییابد، به طور حتم در سیر عرضی موفق‌تر است؛ چون تمام عواملی که نیاز است آنها را در وجود خود تقویت کند تا بتواند دست به خلاقیت و نوآوری بزند و بر طبیعت تسلط بهتر یابد، در سیر الی‌الله نهفته است. به عنوان مثال، اگر شما به جای آموزش چیدن گل، روش پرورش گیاه را به فردی آموزش دهید، وی چیدن گل را هم یاد می‌گیرد.

انسان دارای دو بُعد معنوی و مادی یا روحانی و جسمانی است. در بُعد معنوی و روحانی؛ اندیشه‌ها، گرایشها، اخلاق، ادب، هنر و غیره مطرح است و در بُعد مادی و جسمانی، حفظ نسل هدف است. این دو بُعد لازم و ملزوم یکدیگرند، با تأکید بر اینکه مسائل معنوی، جهت‌دهنده و کنترل‌کننده نیازهای مادی می‌باشند. خلاقیت و نوآوری می‌تواند در هر یک از این دو بُعد صورت گیرد. در قسمت اول، منظور تعالی معنوی است. در بُعد مادی، انسان می‌تواند با فعالیت‌های خلاقانه، طبیعت را بیشتر به خدمت بگیرد و خواسته‌های مادی خود را برآورده سازد. اگر این فعالیتها بر پایه معنویات و جهات انسانی نباشد، موفقیت‌آمیز نخواهد بود و پایداری کمتری خواهد داشت.

امام خمینی(ره) در طول زندگی خود با خودسازی و تزکیه نفس و کسب معارف الهی و دینی، سیر کمال را پیمود و به مراتب والای معنوی و عرفانی رسید. «امام خمینی(ره) مراحل تحوّل درونی را طی کرده و با گذران انقلاب فکری درونی و خویش‌شناسی عرفانی و اخلاقی، به مشخصات یک انسان کامل نایل شده بود. وارد عرصه مبارزات سیاسی - اجتماعی شد و در مقابل تلاش حاکمیت پهلوی در راستای محو دین و اندیشه دینی، احیای فرهنگ و هویت اسلامی را وجهه همت خود ساخت» (خلیلی، ۱۳۸۵، صص ۲۱-۲۰) و موفق شد حکومت اسلامی را تشکیل دهد.

امام(ره) در جریان مبارزه، خلّاقیتها و نوآوری‌هایی انجام داد که با معیارهایی که در بحث خلّاقیت برشمردیم، همسان و هماهنگ است. در ادامه، برخی از ویژگی‌های شخصیتی خلّاق حضرت امام(ره) بیان می‌شود.

۱. اعتماد به نفس

رسولی محلاتی در مورد اعتماد به نفس امام(ره) می‌گوید: «این هم از نعمتهای الهی و ویژگی‌های بزرگ امام رضوان‌الله علیه بود که در برخورد با حوادث مهم و تکان‌دهنده از یک نفس مطمئنه و قوّت قلب و توکل بی‌نظیری برخوردار بود که همچون کوهی استوار، هیچ‌گونه تزلزل و ترسی و اضطرابی او را نمی‌گرفت و بلکه هر گونه ترس و اضطرابی را از دل همراهان و نزدیکان خود دور می‌کرد.» (مجله حوزه، ۱۳۶۹، ص ۱۰)

۲. استقلال

امام(ره) از همان اوان مبارزه شخصاً تصمیم می‌گرفت و عمل می‌کرد: «اولاً این را عرض بکنم که من از اولی که داخل در این باب شدم [اجازه] دخالت به کسی نمی‌دادم. به نزدیکان خودم هم اجازه دخالت هیچ وقت نمی‌دادم، خودم مستقل بودم در کارهایم، خودم هر کاری را می‌خواستم می‌کردم و هر کاری را نمی‌خواستم نمی‌کردم. به حسب تشخیص خودم و تفکر خودم کارها را انجام می‌دادم.» (به نقل از: رجایی، ۱۳۸۴، ص ۱۴۹)

۳. شجاعت در ابراز عقیده

در دوران خفقان رژیم ستمشاهی که هر گونه صدایی را در گلو خفه می‌کرد، امام(ره) با شجاعت در برابر رژیم ایستاد و در بیان حقایق، ترسی به خود راه نداد. حضرت امام(ره) در جریان حمله مأموران رژیم به بازار تهران می‌فرماید: «اکنون که مرجع صلاحیتداری برای شکایت در ایران نیست و اداره این مملکت به طور جنون‌آمیز در جریان است، من به نام ملت از آقای علم شاغل در نخست‌وزیری، استیضاح می‌کنم. با چه مجوز قانونی در دو ماه قبل حمله به بازار تهران کردید و علمای اعلام و سایر مسلمین را مصدوم و مضروب نمودید؟» (همان، ص ۲۰۳)

۴. فداکاری

یکی دیگر از جنبه‌های شخصیتی خَلَق حضرت امام(ره) فداکاری است. ایشان می‌فرمایند: «من جان ناقابل خویش را برای ادای واجب حق و فریضهٔ دفاع از مسلمانان آماده نموده‌ام و در انتظار فوز عظیم شهادتم». (همان، ص ۷۴)

در جای دیگر می‌فرمایند: «هرچه از من برآید با حالی که دارم مضایقه ندارم و خدمتگزار همه هستم». (همان، ص ۱۸۳)

۵. خطرپذیری

امام خمینی(ره) در راه رسیدن به هدف، هر گونه خطر و مشکلی را پذیرفت و از راه باز نایستاد: «در طول این مدت من در مواقع مختلف، جنایات شاه را چه در اعلامیه و چه در خطابه اعلام می‌کردم و هر فاجعه‌ای را گوشزد می‌نمودم و هرگز ساکت ننشستم». (همان، ص ۳۹)

همچنین می‌فرمایند: «اگر من خدای نخواسته یک وقتی دیدم که مصلحت اسلام اقتضا می‌کند که یک حرفی بزنم، می‌زنم و دنبالش راه می‌افتم و از هیچ چیزی نمی‌ترسم، بحمدالله تعالی، والله تا حالا نترسیده‌ام». (همان، صص ۷۵-۷۶)

۶. دوری از خواستهای فردی

حضرت امام(ره) در طول زندگی مبارزاتی خود، هیچ هدفی به جز اسلام‌خواهی را مطرح نکرد: «تمام مقصد ما اسلام است». (انصاری، ۱۳۷۶، ص ۱۷۹)

ایشان در پرهیز از خواستهای شخصی می‌فرمایند: «خدا می‌داند که شخصاً برای خود ذره‌ای مصونیت و حق و امتیاز قائل نیستم. اگر تخطی‌ای از من هم سرزند مهبیای مؤاخذه‌ام». (به نقل از: رجایی، ۱۳۸۴، ص ۴۴)

در جای دیگر می‌گویند: «عزیزان من! پیش من رهبری مطرح نیست؛ برادری مطرح است. خدای تبارک و تعالی در قرآن کریم ما را برادر خوانده است: انما المسلمون اخوه». (همان، ص ۳۹)

مبانی نوآوری در کلام امام خمینی(ره)

از قرن شانزدهم واقعه رنسانس در اروپا شکل گرفت و نفوذ اروپاییان در کشورهای دیگر شروع شد. کشور ایران هم یکی از طعمه‌های آنان بود و سعی می‌کردند به روشهای مختلف، نفوذ و سیطره استعماری خود را در ایران گسترش دهند. استعمارگران در رسیدن به اهداف شوم خود از طریق تنظیم قراردادهای اقتصادی و غیره وارد شدند و بدین منظور، تلاش می‌کردند حاکمان و حکومت را مطابق خواسته‌های خود جهت دهند. دوره پهلوی‌ها اوج این نفوذ است. روی کار آمدن پهلوی‌ها و سیاستهایی که اعمال کردند، تابعی از اندیشه‌ها و سیاستهای انگلیسی‌ها و آمریکایی‌ها بود. با پیروزی انقلاب اسلامی و تغییر رژیم، اندیشه و ارزشهایی که پیش از آن جریان داشت، به راحتی تغییرپذیر نبود. لذا حضرت امام(ره) با بررسی ریشه‌ای موضوع، در صدد از بین بردن تفکر استعماری و خودباختگی برآمد. ایشان معتقد بودند که جریان استعمار و حکومت خودکامگان، اصل انسانیت و باورهای انسانی را از بین برده و وقتی انسان به توانایی‌ها و استعدادهای خود باور نداشته باشد، از خود بیگانه می‌شود و نمی‌تواند درست فکر کند و بیندیشد. از این رو، از استقلال و نوآوری و ابتکار دم زدن بیهوده است. امام(ره) در از بین بردن این اندیشه‌ها بر مبانی‌ای تکیه می‌کردند تا مردم، هویت اسلامی و انسانی خود را به دست آورند و با خویش‌شناسی و توجه به عظمت و شگفتی استعدادهای خود، بتوانند راه استقلال فردی و اجتماعی را طی کرده، به پیشرفتهای معنوی و مادی دست یابند.

اگر چه در اندیشه امام(ره) به طور مستقیم به نوآوری پرداخته نشده است، ولی می‌توان عناوین ذیل را از کلام ایشان درباره نوآوری بیان کرد:

۱. خودباوری

این مبحث را می‌توان بدین شرح دسته‌بندی کرد:

الف) از بین بردن تفکر هیچ انگاشتن خود

«[شاه] به همه ملتها فهماند که ما هیچ نیستیم، ما حتی عمل آماندیس هم بعد از مدتها در دانشگاه نمی‌توانیم انجام بدهیم. ما می‌خواهیم این فکر را از توی کله‌ها بیرون کنیم». (نقل از: گلچین میلاد ۱، ۱۳۷۸، ص ۵۸)

امام خمینی(ره)؛ انقلاب اسلامی و نوآوری ♦ ۱۳

در جای دیگر می‌فرماید: «ما همه چیزمان را باختیم. حالا دزدها را بیرون کردیم، اما خودمان را پیدا نکردیم. باید خودمان را پیدا کنیم».(امام خمینی(ره)، ۱۳۶۱، ج ۱۰، ص ۵۷)

ب) باور به توانایی‌های ذاتی انسان

«اول باید باورتان بیاید که ما هم انسانیم، ما هم قدرت تفکر داریم، ما هم قدرت صنعت داریم، این قدرت در همهٔ افراد بشر به قوه هست. اگر این باور برای شما پیدا شد... و یک ملت وقتی که یک مطلب را باور کرد که می‌تواند انجام بدهد، انجام خواهد داد».(مجله حوزه، ۱۳۶۹، ص ۳۷۳)

«باور به توانایی خود و تکیه بر آن، اساس پیروزی است».(به نقل از: جانعلیزاده، ۱۳۸۶، ص ۱۱۳)

ج) امیدواری و توجه به مفاخر کشور

«افراد باور دارند که خواستن، توانستن است، امید دارند و یأس به خود راه نمی‌دهند. افراد باور دارند که باید خودشان و قدرت خودشان را بشناسند، به خودشان تکیه کنند، به مفاخر خودشان رجوع کنند و نسبت به موفقیت امید داشته باشند».(همان، ص ۱۰۹)

حضرت امام(ره) همسو با باور به خود و قدرت و توانایی‌های فردی و اجتماعی، تأکید می‌فرمودند که: «ما همه چیز داریم، فرهنگ ما غنی است، مملکت ما غنی است، منتها نگذاشتند که این امور تحقق پیدا بکنند»(امام خمینی(ره)، ۱۳۶۱، ج ۹، ص ۱۷۵). «باید برویم دنبال اینکه همه چیز از خود ما باشد».(به نقل از: حاضری - علیخانی، ۱۳۷۸، ص ۱۷)

«برای به دست آوردن استقلال فکری و بیرون رفتن از زندان وابستگی، خود و مفاخر و مآثر ملی و فرهنگی خود را دریابید».(امام خمینی(ره)، ۱۳۶۱، ج ۹، ص ۱۸۶)

د) مبارزه با خودباختگی

خودباختگی نقطهٔ مقابل خودباوری است. خودباختگی فلج ذهنی است در مقابل هر پدیده‌ای. اینجا چون بحث در شیفتگی و خودباختگی و تفکری است که غرب طی سالها در رژیم گذشته بر کشور ما تحمیل کرده، فلج ذهنی در برابر غرب و فرآورده‌های خیره‌کنندهٔ آن مورد نظر است. فرد خودباخته معجونی است از چند فرهنگ که در عین حال هیچ کدام نیست؛ نه این و نه آن، کلاف

سردرگمی که هدف زندگی را گم کرده است. امام (ره) این رویه زندگی و اندیشه را مورد انتقاد قرار می‌دهد و با آن مبارزه می‌کند و این گونه تفکر را از مصیبت‌های بزرگ می‌شمارد:

یکی از مصیبت‌های بزرگی که برای این ملت بار آوردند، اینکه ملت را نسبت به خودشان هم بدبین کردند؛ یعنی ما خودمان را باختیم در مقابل آنها و غم‌انگیزتر اینکه آنان ملتهای ستم‌دیده زیر سلطه را در همه چیز عقب نگه داشته و کشورهای مصرفی بار آوردند و به قدری ما را از پیشرفتهای خود و قدرتهای شیطنی‌شان ترسانده‌اند که جرئت دست زدن به هیچ ابتکاری نداریم و همه چیز خود را تسلیم آنان کرده و سرنوشت خود و کشورهای خود را به دست آنان سپرده و چشم و گوش بسته مطیع فرمان هستیم و این پوچی و تهی مغزی مصنوعی موجب شده که در هیچ امری به فکر و دانش خود اتکا نکنیم و کورکورانه از شرق و غرب تقلید نماییم، بلکه از فرهنگ و ادب و صنعت و ابتکار اگر داشتیم، نویسندگان و گویندگان غرب و شرق زده بی‌فرهنگ آنها را به باد انتقاد و مسخره گرفته و فکر و قدرت بومی را سرکوب و مأیوس نموده و می‌نمایند. (ر.ک. به: حاضری - علیخانی، ۱۳۷۸، صص ۳۷ و ۵۵)

در جای دیگر می‌فرماید: «همه گرفتاری‌های ما و بدبختی‌های ما همین است که خودمان را گم کرده‌ایم، یک کسی دیگر به جای ما نشسته است». (همان، ص ۱۲)

وقتی فرد خود را گم کند و وابسته باشد، دیگر فکر کردن و خلاقیت معنایی نخواهد داشت؛ امام (ره) این گونه نظر می‌دهد: «وقتی وابسته باشیم دیگر فکر نمی‌کنیم؛ وقتی فکر نباشد، خلاقیت و ابتکار نیست، فقط معرف است». (همان، ص ۴۱)

۲. توجه به جوانان

جوانان امید و آینده‌سازان هر کشوری محسوب می‌شوند. امام (ره) به این قشر توجه خاص داشتند و از مسئولان و دست‌اندرکاران کشور می‌خواستند که زمینه ارتقای اخلاقی و علمی و هنری آنان را فراهم آورند:

من به همه مسئولین و دست‌اندرکاران سفارش می‌کنم که به هر شکل ممکن

امام خمینی(ره)؛ انقلاب اسلامی و نوآوری ♦ ۱۵

وسایل ارتقای اخلاقی و اعتقادی و علمی و هنری جوانان را فراهم سازید و آنان را تا مرز رسیدن به بهترین ارزشها و نوآوری‌ها همراهی کنید و روح استقلال و خودکفایی را در آنان زنده نگه دارید. مبدا اساتید و معلمینی که به وسیله معاشرتها و مسافرت به جهان به اصطلاح متمدن، جوانان ما را که تازه از اسارت و استعمار رهیده‌اند تحقیر و سرزنش نمایند و خدای ناکرده از پیشرفت و استبداد خارجی‌ها بت تراشند و روحیه پیروی و تقلید و گداصفتی را در ضمیر جوانان تزریق نمایند. به جای اینکه گفته شود که دیگران کجا رفتند و ما کی هستیم، به هویت انسانی خود توجه کنند و روح توانایی و راه و رسم استقلال را زنده نگه دارند. ما در شرایط جنگ و محاصره توانسته‌ایم آن همه هنرآفرینی و اختراعات و پیشرفتها داشته باشیم، ان شاء الله در شرایط بهتر زمینه کافی برای رشد استعداد و تحقیقات را در همه امور فراهم می‌سازیم. (امام خمینی، ۱۳۶۱، ج ۲۰، ص ۲۴۲-۲۴۱) حضرت امام(ره) از جوانان می‌خواهند که در جهت سازندگی و پیشبرد امور با شجاعت و اتکا به نیرو و توان خود تلاش کنند تا وابستگی کشور به خارج قطع شود:

جوانان ما اثبات کردند که می‌توانند خودشان عمل بکنند و شما مطمئن باشید که در دراز مدت شما همه کار می‌توانید بکنید. همان طور که با شجاعت، ابرقدرتها را خارج کردید، با شجاعت در فرهنگ خودتان کار بکنید و در کارهای خودتان، خودتان عمل بکنید و اتکای خودتان را هر روز به خارج کم بکنید و یک وقتی برسد که هیچ اتکا به خارج ما نداشته باشیم و همه چیز را خودمان تهیه کنیم. (همان ج ۱۶، ص ۶۳)

با توجه به اهمیت جوانان، حضرت امام(ره) در خصوص تربیت آنان تأکید می‌کنند که: «جوانهای ما را تربیت صحیح بکنند نه یک تربیت انگلی» (همان، ج ۵، ص ۲۰۰) و در رابطه با فرهنگ که جلوگیری کننده از تربیت انگلی نیز است، می‌فرمایند: «فرهنگ، مبدء همه خوشبختی‌ها و بدبختی‌های ملت است. اگر فرهنگ ناصالح شد، این جوانانی که تربیت می‌شوند به این تربیتهای فرهنگ ناصالح، اینها در آتیه فساد ایجاد می‌کنند... [ولی] اگر فرهنگ، فرهنگ صحیح باشد، جوانان ما صحیح بار می‌آیند» (همان، ج ۱، ص ۲۷۳). بنابراین، در نظر امام(ره) جوان می‌بایست آگاه، مستقل خودباور، شجاع، مبارز، مقاوم، خداجو و اهل علم و تقوا باشد.

۳. تربیت اسلامی و انسانی

حضرت امام (ره) در مقوله تربیت^۱ انسانها را به دو دسته تقسیم می‌کنند: ۱. انسانهای تربیت نشده؛ ۲. انسانهای تربیت شده. ایشان منشأ مضرّات در جامعه را انسانهای تربیت نشده می‌دانند که از هر مخلوقی مضرترند: «آن قدر که انسان غیر تربیت شده مضر است به جوامع، هیچ شیطانی و هیچ حیوانی و هیچ موجودی آن قدر مضر نیست». (همان، ج ۱۴، ص ۱۰۳)

افراد تربیت نشده افرادی هستند که مهذب نشده‌اند. خودخواهی و هوای نفس بر آنان غلبه دارد. در هر صحنه‌ای که وارد شوند خطرناک هستند: «اگر نفوسی تزکیه نشده و تربیت نشده وارد بشوند در هر صحنه، در صحنه توحید، در صحنه معارف الهی، در صحنه فلسفه، در صحنه فقه و فقاقت، در صحنه سیاست، در هر صحنه‌ای که وارد بشوند اشخاصی که تزکیه نشدند و تصفیه نشدند، خطر اینها بر بشر خطرهای بزرگ است». (همان، ص ۲۵۴)

حضرت امام (ره) تأکید می‌کنند که راه اصلاح جامعه و پیشرفت آن، در گرو از بین بردن خودخواهی و حبّ نفس است:

آنچه که برای هر انسان و هر متصدی امری، خطر است، هر بلایی که انسان یا جامعه از دست قدرتمندان می‌بینند، در اثر هوای نفس و خودخواهی است. ائمه ما در روایات فرموده‌اند: رأس کل خطیئه حبّ النفس. ما باید تا اندازه‌ای که می‌توانیم به شیوه آنها عمل کنیم و از چیزهایی که دام شیطان است که بزرگ‌ترین دام همان خودخواهی انسان است، رهایی پیدا کنیم و بر صراط مستقیم الهی راه برویم تا بتوانیم هم خود و هم جامعه‌مان را اصلاح کنیم». (به نقل از: جانعلیزاده، ۱۳۸۶، ص ۱۱۲)

انسانهای تربیت شده در جامعه از هر موجودی، حتی ملائک مفیدترند. حضرت امام (ره) می‌فرمایند: «آن قدر که انسان تربیت شده مفید است برای جوامع، هیچ ملائکه‌ای و هیچ موجودی آن قدر مفید نیست». (امام خمینی (ره)، ۱۳۶۲، ج ۱۴، ص ۱۰۳)

۱. تربیت از ماده «رَبَّوْ» به معنی زیادت و فزونی و رشد و بر آمدن گرفته شده است. «رَبُّوْ» نفس عمیق و بلند را گویند که موجب بر آمدن سینه است. «رَبَّوْه» یعنی سرزمین بلند و مرتفع. «رَب» به معنی مالک، خالق، صاحب، مدیر، مربی، قیم و سرور است و اصلاح‌کننده هر چیزی را رب گویند. راغب اصفهانی می‌نویسد: رب در اصل به معنی تربیت و پرورش است؛ یعنی ایجاد کردن حالتی پس از حالت دیگر در چیزی تا به حد نهایی و تام و کمال خود برسد. (ر.ک. به: دلشاد تهرانی، ۱۳۷۶، صص ۲۴-۲۲)

امام خمینی(ره)؛ انقلاب اسلامی و نوآوری ♦ ۱۷

جامعه‌ای که افراد آن تربیت اسلامی دارند آن جامعه پیشرو است: «اگر افراد یک ملت تزکیه شده باشند، آن ملت پیشرو است». (جانعلیزاده، ۱۳۸۶، ص ۱۰۹)

حضرت امام(ره) رمز پیروزی و موفقیت انسان را مجاهده در راه خدا همراه با خلوص نیت می‌داند و تأکید می‌فرماید: «شما مجاهده کنید تا هر چه در دل دارید زدوده شود که اگر برای خدا خالص شدید، در پیروزی تان مؤثر است. باید اتکایتان فقط به خدا باشد». (امام خمینی(ره)، ۱۳۶۵، ج ۱۸، ص ۱۱۳)

۴. اعتماد به خدا و اتکال به نفس

حضرت امام(ره) دو جهت و مبنای اصلی را در رسیدن به استقلال، ابتکار و نوآوری به جوانان تأکید می‌کنند:

عمده این است که شما دو جهت را در نظر بگیرید که من کراراً عرض کردم؛ یکی، اعتماد به خدای تبارک و تعالی که وقتی برای او بخواهید کار بکنید به شما کمک می‌کند، راه را برای شما باز می‌کند، در هر رشته که هستید راههای هدایت را به شما الهام می‌کند و یکی، اتکال به نفس، اعتماد به خودتان. شما خودتان جوانهایی هستید که می‌توانید همه کارها را انجام بدهید. (همان، ص ۱۴۴)

در همین ارتباط می‌فرماید: «مخترعین ما می‌توانند در سطح بالا اختراع بکنند، مبتکرین ما می‌توانند در سطح بالا ابتکار کنند، به شرط آنکه اعتماد به نفس خودشان داشته باشند و معتقد بشوند به اینکه "می‌توانیم"». (همان، ص ۱۴۶)

بنابر این، نوآوری وقتی عملی می‌شود که انسان به خود و توانایی‌هایش واقف شود و باور کند که می‌تواند. انسان وابسته و سست و ضعیف و هری هری نمی‌تواند منشأ اختراع و اکتشاف و ... باشد.

نکته دیگر توجه به ارزشها و مفاخر کشور است که عامل همبستگی و پیوستگی ملی می‌شود و انگیزه‌بخش و تقویت‌کننده روح خودباوری است، اما روح خودباوری وقتی ارزشمند و جاودان خواهد بود که با یاد و اتکال بر خداوند متعال باشد؛ چرا که «خدای متعال یاد خود را مایه صفا و جلای دلها قرار داده است. با یاد خدا دلها پس از سنگینی، شنوا و پس از کوری، بینا و پس از سرکشی، نرم و ملایم می‌گردد» (نهج البلاغه، خ ۲۲۰). انسان باید پذیرد که مخلوق است، آفریده است

و آفریده بدون خالق وجود ندارد. از این رو، اگر کارهای انسان بر مبنای آنچه خالق ارائه داده است نباشد، بی ارزش و ناپایدار است. جریان کار انسان در راستای رضای خداوند می‌بایست همراه با تهذیب نفس باشد؛ یعنی خلوت و جلوتش فرقی نداشته باشد. حضرت امام (ره) می‌فرمایند: «انیا به شما کار دارند. توی صندوقخانه هم که هستی به تو کار دارند، هیچ کس نیست، لکن حکم خدا هست دنبال شما، آنها می‌خواهند یک انسانی تربیت کنند که خلوتش و جلوتش فرقی نداشته باشد». (امام خمینی، ۱۳۶۱، ج ۷، ص ۲۸۵)

بدانید که عالم محضر خداست و قلب انسان حرم الهی است و در حرم الهی چیزی جز ذات اقدس الهی نباید راه یابد: «القلب حرم الله فلا تسکن حرم الله غیر الله» (امام صادق (ع)، نقل از: بحار الانوار، ج ۷۰، باب ۴۳، ص ۱۲۵). وقتی درون انسان صیقل یابد و محل انوار الهی قرار گرفت، آن گاه انسان هستی را هدفمند و محل سعادت می‌بیند. لذا تلاش و کوشش او در جامعه جدی و با انگیزه قوی صورت می‌گیرد و می‌تواند مصدر خلاقیتها و نوآوری‌های ارزشمند و پایدار بشود. آثاری که ایجاد می‌شود چون متکی بر ایمان به خداست، روحبخش و گنجینه‌ای فزاینده خواهد بود که در هر زمان به فضای جامعه، روح و فطرت انسانی را به اصل خود سوق می‌دهد. نظری بر آثار اسلامی که در گوشه و کنار کشور است، این نکته را به خوبی روشن می‌کند. آیا می‌توانید وقتی وارد صحن مسجد گوهرشاد می‌شوید عظمت و بزرگی خداوند را به یاد نیارید؟ آیا می‌توان عروج معنوی‌ای را که با دیدن این اثر ایجاد می‌شود، انکار کرد؟

در پایان، از کلام امام (ره) برخی نکات اجرایی را که لازمه خودباوری و رسیدن به نوآوری و شکوفایی است بیان می‌داریم:

— شما باید مستقل باشید و رشد انسانی پیدا بکنید، بچه‌ها را، جوانان ما را رشد انسانی بدهید. (همان، ج ۵، ص ۲۰۱)

— باید فرهنگ متحول بشود به یک فرهنگ سالم، به یک فرهنگ مستقل و یک فرهنگ انسانی. (همان، ج ۲، ص ۷۷)

— ما باید خودمان را تغییر بدهیم تا اینکه بتوانیم سر پای خودمان بایستیم و بفهمیم که ما شرقی هستیم و ما در اسلام هستیم و برنامه ما اسلام است. (تحاضری- علیخانی، ۱۳۷۸، ص ۸۱)

— ما خودمان باید در افکارمان و در آرایمان مستقل باشیم، این طولانی است. (همان، ص ۸۲)

امام خمینی(ره)؛ انقلاب اسلامی و نوآوری ♦ ۱۹

- استقلال مغزی شرط اول اسقلال است، استقلال فکری شرط اول استقلال است که ما فکرها مان را عوض کنیم. از این انگل بودن، خودمان را در آوریم. (امام خمینی، ۱۳۶۱، ج ۱۰، ص ۲۷۸)
- باید از مغز ملت‌ها این نمی‌شودها را بیرون کرد و به جای آن، می‌شودها را گذاشت. (همان، ج ۱۲، ص ۲۸۰)
- باید استعدادها را به کار بیندازند و دولت و ملت تأیید کنند از این کسانی که اختراع و ابداع می‌کنند تا ان شاء الله ایران خودش همه چیز را بسازد و مستقل شود. (همان، ج ۱۳، ص ۱۹۸)
- مهم این است که ما بفهمیم که دیگران به ما چیزی نمی‌دهند، ما خودمان باید تهیه کنیم. (تبیان، ۱۳۷۸، ص ۱۲۸)

نتیجه

امام خمینی(ره) فردی تکامل یافته بود که پس از سالها طی کردن مراتب معنوی و عرفانی، با پشتوانه اندوخته معنوی خود، مبارزه را آغاز کرد و پس از سالها مبارزه سخت و دشوار، توانست حکومت اسلامی را ایجاد کند و در ادامه با ابتکارات و نوآوری‌های خود، حکومت را از هجمه‌ها و مصیبت‌هایی که از داخل و خارج بر پیکر آن وارد می‌شد، حفظ نماید. راز موفقیت امام(ره) در این مبارزه طولانی و سهمگین و پایه ابتکارات و نوآوری‌های ایشان، عبارت است از:

۱. خداجویی و تکیه بر اسلام که هیچ‌گاه از آن عدول نکرد؛
 ۲. تهذیب نفس؛
 ۳. اعتماد به نفس؛
 ۴. ترس به خود راه ندادن؛
 ۵. علم و وسعت نظر.
- با توجه به آنچه بیان شد، امام(ره) رهبری بود کاریزماتیک، احیاکننده دین، رهایی‌بخش و احیاگر هویت ملی.

منابع

۱. قرآن کریم.
۲. نهج البلاغه.
۳. امام خمینی، سید روح‌الله (۱۳۶۱)؛ صحیفه نور، تهران، وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی.
۴. انصاری، حمید (۱۳۷۶)؛ حدیث بیداری، تهران، مؤسسه تنظیم و نشر آثار امام خمینی (س).
۵. یونو، ادوارد دو (۱۳۸۳)؛ خلاقیت جدی، ترجمه قاسم بصیری و مرتضی غفاری‌پور، تهران، آئیژ.
۶. جانعلیزاده، حیدر (۱۳۸۶)؛ «جامعه متمدن از دیدگاه امام خمینی»، فصلنامه مطالعات ملی، سال هشتم، ش ۱.
۷. حاضری، علی محمد و علیخانی علی اکبر، (۱۳۷۸)؛ خودباختگی و خودباوری از دیدگاه امام خمینی، تبیان (دفتر بیست و ششم)، تهران، مؤسسه تنظیم و نشر آثار امام خمینی (س).
۸. حسنی، محمدحسن (۱۳۷۸)؛ نوسازی جامعه از دیدگاه امام خمینی، تهران، عروج.
۹. خرما بر نخیل (۱۳۸۶)؛ ویژه‌نامه آثار برگزیده تدریس و مدیریت دوره راهنمایی تحصیلی، تهران، سازمان آموزش و پرورش شهرستانهای استان تهران.
۱۰. خلیلی، رضا (۱۳۸۵)؛ «تکوین تعاملی دین و هویت در اندیشه امام خمینی»، فصلنامه مطالعات ملی، سال هفتم، ش ۲.
۱۱. دلشاد تهرانی، مصطفی (۱۳۷۶)؛ سیوری در تربیت اسلامی، تهران، ذکر.
۱۲. رجایی، غلامعلی (به کوشش) (۱۳۸۴)؛ امام به روایت امام، تهران، عروج.
۱۳. سام‌خانیان، محمد ربیع (۱۳۸۱)؛ خلاقیت و نوآوری در سازمان مدیریت آموزشی، تهران، اسپند هنر.
۱۴. سلمانی، مهرداد (۱۳۸۳)؛ انسان آفرینشگر، تهران، جهاد دانشگاهی واحد تربیت معلم.
۱۵. شل کراس، دوریس جی (۱۳۷۲)؛ آموزش رفتار خلاق و استعدادهای درخشان، ترجمه مجتبی جوادیان، مشهد، آستان قدس رضوی.
۱۶. طباطبایی، محمدحسین (۱۳۷۰)؛ تفسیر المیزان، ج ۱۳، قم، بنیاد علمی علامه طباطبایی.
۱۷. گلچین میلاد ۱ (۱۳۷۸)، تهران، ستاد بزرگداشت صدمین سال میلاد حضرت امام خمینی.
۱۸. مجله حوزه (۱۳۶۹)، ش ۳۸-۳۷، قم، دفتر تبلیغات اسلامی.
۱۹. مطهری، مرتضی (۱۳۷۴)؛ مجموعه آثار، تهران، صدرا.